



شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران برای آموزش کارآفرینانه به‌منظور

ارائه یک مدل کیفی^۱

Dimensions and Components of Change for Teachers' Viewpoints in Entrepreneurial Training: A Qualitative Model

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۲۹

A. Parsamehr

R. Jafari Harandi (Ph.D)

F. Shafipour Motlagh (Ph.D)

Abstract: the purpose of the present study was to determine the dimensions and components of teachers' change of vision patterns for the purpose of entrepreneurial education. The qualitative research phase included all secondary education experts of Isfahan Education Organization in six educational districts. The research corpus consisted of articles and documentation related to the research literature and interviews with 23 experts. The validation method was used to validate the research instrument and convergence method was used to validate the interviews. The content analysis was used to analyze the data and were categorized by open, axial and selective coding methods. Overall, the results showed that the dimensions and components of changing teachers' viewpoints for entrepreneurial education were based on open, axial, and selective coding textbooks, including 7 dimensions (teaching productivity, educational ethics, professional development, curriculum early, lesson). The research, reflection on curriculum, futures research and 110 items. This study showed that the model obtained from this research can be used to change teachers' viewpoints for entrepreneurial curriculum content.

Keywords: changing teachers' insights, entrepreneurial education, lesson research, future research

امراه پارسا مهر^۲

رضا جعفری هرندی^۳

فرهاد شفیق پور مطلق^۴

چکیده: هدف مقاله حاضر، تعیین ابعاد و مؤلفه‌های الگوی تغییر بینش دبیران با هدف آموزش کارآفرینانه بوده است. روش مقاله حاضر کیفی از نوع پدیدار شناسی بوده است. محیط پژوهش شامل کلیه کارشناسان آموزش متوسطه آموزش و پرورش شهر اصفهان بوده است. نمونه‌گیری نظری تا حد اشباع بوده است. ابزار تحقیق شامل مقالات و مصاحبه با کارشناسان به تعداد ۲۳ نفر بود. برای تأمین روایی ابزار تحقیق از روش تأییدپذیری و برای اعتباریابی از روش همگرایی مصاحبه‌های انجام شده استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون و کدگذاری استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد، ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران با هدف آموزش کارآفرینانه مبتنی بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی، شامل ۷ بُعد: بهره‌وری در تدریس، اخلاق آموزشی، رشد حرفه‌ای، زودبازده سازی برنامه درسی، درس پژوهی، تأمل بر برنامه درسی، آینده پژوهی) و ۱۱۰ گویه بوده است. این مقاله نشان داد، برای تغییر بینش معلمان جهت آموزش کارآفرینانه، می‌توان از الگوی بدست آمده از این تحقیق استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: تغییر بینش دبیران، آموزش کارآفرینانه، درس پژوهی، آینده پژوهی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری برنامه‌ریزی درسی است.

۲. دانشجوی دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی، واحد میمه، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه، ایران

amrollah.parsamehr48@gmail.com

rjafarih@gmail.com

۳. دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۴. استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران farhad_shafiepoor@yahoo.com

مقدمه

مشکل جدی نظام آموزشی ما ضعیف بودن کارایی بیرونی آن است تا حدی که فارغ‌التحصیلان توانایی ورود به کسب و کار و اشتغال‌زایی برای خود را نداشته و همه آرزوی آن‌ها بعد از دیپلم ورود به دانشگاه است. این امر به دلیل بینشی بوده که معلمان در طول آموزش و پرورش عمومی به دانش‌آموزان القاء کرده‌اند (آی و آکار^۱، ۲۰۱۶). معلمان باید دانش‌آموزان را به‌گونه‌ای تربیت کنند که محتوای درسی را به‌منظور استفاده در خارج از کلاس و برای به‌کارگیری در کسب و کار آینده خود یاد بگیرند (شعبانی، ۱۳۸۹). ضعف عمده معلمان این است که تدریس خود را محدود به کتاب و کلاس کرده‌اند (عزیزی و حیدری، ۱۳۹۱). مادامی‌که بینش معلمان نسبت به فرایندهای یاددهی - یادگیری و ساز و کارهای آن تغییر نکند، نمی‌توان شاهد پدیدار شدن خلاقیت، نوآوری و برون‌سپاری یادگیری توسط دانش‌آموزان در جامعه و دنیای واقعی بود. توانایی دانش‌آموزان برای برون‌سپاری یادگیری وابسته به آموزش کارآفرینانه محتوای کتاب‌های درسی است (سلطانی و شفیع پور مطلق، ۱۳۹۵). آموزش کارآفرینانه عبارت است از شیوه‌ای از فرایندهای یاددهی - یادگیری که منجر به خلق ایده و ارزش در دانش‌آموزان شده به‌گونه‌ای که ذهنیت راه‌اندازی کسب و کار را در آن‌ها توسعه می‌دهد (بوک^۲، ۲۰۰۰). مطالعات روشن، سیفی، عبدالهی، نوکانی و بنی‌جمالی (۱۳۹۴) نشان داد آموزش کارآفرینانه محتوای درسی، ذهنیت کارآفرینانه برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند. آموزش کارآفرینانه وابسته به تغییر نگرش معلمان در رابطه با فرایندهای یاددهی - یادگیری است و می‌توان در رابطه با تغییر بینش از نظریه‌های مختلفی در ابعاد شناختی، رفتاری، سازنده‌گرایی کمک گرفت. گرچه مطالعاتی از قبیل جعفری، ابوالقاسمی، قهرمانی، خراسانی و قبادیان (۱۳۹۷) در رابطه با عوامل محتوایی توسعه‌ی حرفه‌ای معلمان؛ مطالعات نوری، جعفری و قورچیان (۱۳۹۶) در رابطه با عوامل پدیداری و شرایط زمینه‌ای یادگیری حین کار معلمان؛ مطالعات استیرمر، سایدل و شوفر^۳ (۲۰۱۳) در رابطه با تغییر در بینش حرفه‌ای معلمان در زمینه‌ای از اقدام و عمل؛ مطالعه رولینز^۴ (۲۰۱۲) در رابطه با بهبود بینش معلمان؛ مطالعه هامرنس^۵ (۲۰۰۴) در رابطه با

1 Ay & Acar

2 Buck

3 Stürmer, Seidel, & Schäfer

4 Rollins

5 Hammerness

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران برای آموزش کارآفرینانه ...

تدریس مبتنی بر بینش؛ مطالعات آبرامز، پجولا و مادائوس^۱ (۲۰۰۳) در رابطه با دیدگاه‌های معلمان در رابطه با کلاس درس؛ مطالعه هامرنس (۱۹۹۹) در رابطه با نگاه به تدریس از دیدگاه معلمان، مطالعه ولف، جارژکا، ون دن بوگرت و بوشیزن^۲ (۲۰۱۶) در رابطه با بینش معلمان و کلاس داری آنها، مطالعه رحمانی، قادری و صادقی (۲۰۱۸) در رابطه با بینش معلمان و انگیزه دانش‌آموزان، مطالعه استورمر، کانیز و سیدل^۳ (۲۰۱۳) در رابطه با توسعه بینش و آموزش معلمان، مطالعه گاموران و ون^۴ (۲۰۰۹) در رابطه با اثرات فیلم‌های آموزشی بر توسعه حرفه‌ای معلمان صورت گرفته است اما در رابطه تغییر بینش معلمان با هدف آموزش کارآفرینانه که بی‌تردید تأثیرات شگرفی بر نگرش دانش‌آموزان بر دنیای اطراف خود دارد و دیدگاه آنها را مبتنی بر خودباوری و اعتماد به نفس در جهت خوداشتغالی توسعه می‌دهد، تحقیقی به چشم نخورده است (جانسن، گالیوان و میلر^۵، ۲۰۱۸)؛ لذا مسئله اصلی مقاله حاضر این است که ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش معلمان با هدف آموزش کارآفرینانه کدامند و چه مدلی را می‌توان برای آن ترسیم کرد؟

برای تغییر بینش معلمان برای آموزش کارآفرینانه می‌توان از نظریه‌های ذیل کمک گرفت که مبانی نظری نظری این مقاله را تشکیل می‌دهد:

نظریه بهبود بهره‌وری آموزشی

بر اساس نظریه والبرگ مدرسه و آموزش‌هایی که از طریق معلمان صورت می‌گیرد باید سهم قابل ملاحظه‌ای را در اقتصاد و صنعت جامعه ایفا کند. عدم بهره‌وری مدرسه برای جامعه آسیب زاست و هزینه‌هایی که صرف مدرسه و آموزش به شاگردان می‌شود، به هدر می‌رود (والبرگ^۶، ۲۰۰۳). بهره‌وری به معنای کارآمدی و اثربخشی است. کارآمدی بدین معناست که معلمان چنانکه باید و شاید تدریس نمایند و اصول و موازین تدریس را رعایت کنند و اثربخشی به معنای تحقق اهداف یاددهی - یادگیری است. مطالعات بیات (۱۳۹۳)؛ نارویی و رحمت زهی نوینی (۱۳۹۷)؛ بری^۷ (۲۰۱۰)؛ پودولسکی، کینی و دارلینگ-هاموند^۸ (۲۰۱۹) نشان دادند، به منظور اصلاح شیوه

-
1. Abrams, Pedulla, & Madaus
 2. Wolff, Jarodzka van den Bogert, & Boshuizen
 3. Stürmer, Könings, & Seidel
 4. Gamoran, & Van
 5. Jansen, Gallivan ., & Miller
 6. Walberg
 7. Berry
 8. Podolsky, Kini, & Darling-Hammond
- ۲۰۷

آموزشی، معلمان باید ساخت نظام یاددهی- یادگیری را به چالش کشیده و فرایندهای یادگیری برای دانش‌آموزان بازسازی نمایند.

نظریه خردگرایی اخلاقی بر اساس معیار عقلانیت

براساس این نظریه متصدیان آموزش و پرورش، معیار آموزش به دانش‌آموزان را باید بر اساس عقل و منطق قرار دهند زیرا اخلاق محصول عقل و عقلانیت است. فراهم سازی فعالیت‌های یاددهی- یادگیری بر اساس عقلانیت موجب آن می‌شود که موضوعات به گونه‌ای مستدل تدریس شود، به گونه‌ای که با جامعه و واقعیات آن همخوانی درستی داشته باشد. دانشی که عقل در تحصیل آن بیشترین نقش را داشته باشد، قابل اعتمادتر است (صفایی مقدم، ۱۳۸۲). مطالعات گراور^۱ (۲۰۱۵)؛ ساوونی و لاندرا^۲ (۲۰۱۸) نشان دادند، معلمان باید به عنوان رهبران آموزشی، عقل و منطق را برای تدریس به دانش‌آموزان معیار قرار دهند. درهم تنیدگی تدریس با عقل و منطق، یک مسئله اخلاقی محسوب شود. در چنین حالتی مربیان در فرایند تدریس می‌توانند تغییراتی در فراگیران ایجاد کنند.

نظریه درس پژوهی

درس پژوهی کارآفرینی، الگوی بهسازی عمل کارگزاران آموزشی است. براساس تحقیقات ماری و مارتی^۳ (۲۰۰۹) درس پژوهی کارآفرینی در توسعه ذهنیت کارآفرینی در دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا می‌کند. بدین شیوه، بیش معلمان در جهت آموزش کارآفرینی به دانش‌آموزان بهبود می‌یابد و تلاش می‌کنند فعالیت‌های یاددهی- یادگیری را مبتنی بر عمل طراحی و اجرا نمایند تا حدی که یادگیری در عمل برای دانش‌آموزان فراهم شود. از طریق درس پژوهش کارآفرینی، ابتدا معلمان مسائل آموزشی مدرسه را بررسی و پرسش‌های پژوهشی در کلاس درس را تبیین می‌کنند؛ سپس طرح درسی برای انجام پژوهش مشارکتی در آموزش پیشنهاد می‌کنند؛ آنگاه آن را به اجرا و مشاهده می‌گذارند و سپس به ارزیابی و بازاندیشی فرایند عمل و بازبینی پیش فرض‌های ذهنی کارگزاران آموزشی می‌پردازند (ساک، ۱۳۹۴). مطالعات سرکارآنی (۱۳۸۷)؛ هامرنس (۲۰۰۴)؛ وولف، جارودزکا، وندن بوگرت و بوشیوزن^۴ (۲۰۱۶)؛ شهریل^۱ (۲۰۱۸)؛ پنتون هررا^۲ (۲۰۱۸) نشان داد، درس پژوهی

1. Grover
2. Sawhney & Landran
3. Mair, & Marti
4. Wolff, Jarodzka, van den Bogert

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران برای آموزش کارآفرینانه ...

راهبردی است که از طریق آن معلمان به منظور بهره‌گیری از مفاهیم درس جهت استفاده عملی از آنها در جامعه و کسب و کار به کاوش برای نحوه تدریس و طراحی فعالیت‌های یاددهی-یادگیری می‌پردازند. درس پژوهی زمینه‌ای برای معلمان فراهم می‌کند که برای طراحی و اجرای تدریس خود به گونه‌ای که ذهنیت کارآفرینی در دانش‌آموزان ایجاد کند، بیشتر بیندیشند و لذا در تدریس خود به این منظور بازنگری کنند. از این‌رو از طریق درس پژوهی به کاوش و بررسی شیوه‌هایی می‌پردازد که در ذهنیت‌سازی کارآفرینی در دانش‌آموزان مؤثر است (آی و آکار، ۲۰۱۶).

نظریه برنامه درسی زودبازده

برنامه درسی زودبازده، مشتمل بر مجموعه‌ای از فعالیت‌های یاددهی-یادگیری است که بلافاصله پس از سپری کردن آنها، دانش‌آموزان به گونه‌ای توانمند می‌شوند که می‌توانند متکی به نفس و بدون کمک دیگران پا به عرصه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی موجود در جامعه گذاشته و خوداشتغالی داشته باشند (کوآین سان، ۲۰۱۱). مطالعات لوتز و جوسی - رودریگو^۵ (۲۰۰۹)؛ دامبراجس و کینون^۶ (۲۰۱۳) نشان داد، معلمان برای زودبازده سازی برنامه‌های درسی باید بین محتوای مورد آموزش با موقعیت واقعی جامعه و نیازهای اجتماعی رابطه برقرار نمایند و تدریس خود را از حالت نظری صرف خارج سازند.

نظریه رشد حرفه‌ای

بر اساس این نظریه، رشد حرفه‌ای مبتنی بر دو رویکرد قابل تبیین است: رویکرد بالا به پایین که در این حالت، مدیران و مسئولان آموزش و پرورش از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی، آموزش ضمن خدمت، کنفرانس‌ها و نشست‌ها و از این قبیل به توسعه حرفه‌ای معلمان اقدام می‌کنند و در رویکرد پایین به بالا، معلمان خود برای رشد حرفه‌ای اقدام می‌کنند و در این رویکرد برنامه‌های پیشرفت حرفه‌ای توسط خود معلم‌ها شروع می‌شود. برنامه‌های توسعه حرفه‌ای که خود معلمان آن‌ها را شروع می‌کنند، می‌توانند به معلم‌ها قدرت دهند که تغییراتی در کلاس خود ایجاد کنند و خود نیز توسعه‌ای داوطلبانه و ماندگار داشته باشند (کاسنر^۷، ۲۰۱۱).

-
1. Shahrill
 2. Pentón Herrera
 3. Ay, & Acar
 4. Qian Sun
 5. Lutz, José-Rodrigo
 6. Dumbrajs, & Keinonen
 7. Cosner
- ۲۰۹

مطالعات جعفری، دامغانیان و شریفی (۱۳۹۷)؛ هامرنس (۲۰۰۴)؛ واقن و فیرکلاس^۱ (۲۰۱۳) برونز و لوکیو^۲ (۲۰۱۵) و آمی و دیپوتی^۳ (۲۰۱۸) نشان دادند، یکی از استانداردهای تدریس حرفه‌ای، داشتن بینش و ارزش‌های پایه برای بهبود کیفیت‌بخشی به تدریس است. توسعه بینش معلمان موجب موفقیت تحصیلی و رفاه هر یک از دانش‌آموزان می‌شود.

نظریه تأمل بر برنامه درسی

بر اساس این نظریه معلمان همواره باید به فکر ایجاد تغییر در فرایندهای یاددهی-یادگیری باشند و متناسب با شرایط و موقعیتی که جامعه در آن قرار دارد، برنامه‌های آموزشی و درسی خود را تجدید نظر کنند. این امر وابسته به ارزیابی مستمر نظام یادگیری توسط معلمان است (ناتسیر و یوسف، ناسوشن^۴، ۲۰۱۸). تأمل در برنامه درسی به معنای توجه بیشتر برای بهبود و تغییر اهداف و فلسفه وجودی درسی است که برای دانش‌آموزان باید تدریس شود. میزان تغییرات مطلوب و مؤثری که در نتیجه تدریس برای دانش‌آموزان باید بوجود آید (شفیع پور مطلق، خدیوی، ترابی نهاد، ۱۳۹۵). تأمل بر برنامه درسی، راهبردی برای بهبود کیفیت تدریس معلمان است و از طریق آن، معلمان برای بهبود تدریس خود مشارکت می‌کنند تا راه‌هایی برای تغییر در روش تدریس خود جستجو کنند. مطالعات محمدی، کیان و علی عسگری (۱۳۹۶)؛ مک دونالد، بارتون، باگولی، هارتویگ^۵ (۲۰۱۶)؛ ناتسیر و یوسف، ناسوشن (۲۰۱۸) نشان داد، نگرش معلمان نسبت به تغییر برنامه درسی جدید در چهار محور واکنش معلمان، عوامل تأثیرگذار بر نگرش آنها، نقاط مثبت و ضعف برنامه درسی مذکور دسته بندی شده است. واکنش معلمان در زمینه‌های پذیرش مبتنی بر توانمندی، احساسی و ناپایدار، ایجاد تنوع از طریق برنامه درسی و تغییرناپذیر قرار دارد.

آینده پژوهی

آینده پژوهی، روشی است که از طریق آن می‌توان نیازهای مربوط به آینده را مورد مطالعه قرار دارد و آنچه که اقتضای آینده است، محور فعالیت‌ها در نظر گرفت. داشتن تدریس کارآمد و

-
1. Vaughn & Faircloth
 2. Bruns, & Luque
 3. Amy & Deputy
 4. Natsir, Yusuf, & Nasution
 5. MacDonald, Barton, Baguley, & Hartwig

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران برای آموزش کارآفرینانه ...

اثربخش، مستلزم توجه به آینده است، زیرا باید فراگیران ضمن آنکه برای زندگی در حال تربیت می‌شوند، آمادگی زندگی برای آینده را نیز داشته باشند، خصوصاً اینکه زندگی شغلی و اجتماعی افراد بطور شگرفی تحت تأثیر تغییر و تحولات ناشی از فناوری‌های روزافزون و پیشرفت‌های علمی است (تافلر^۱، ۱۳۸۳). مطالعات شفیع پور مطلق، خدیوی و ترابی نهاد (۱۳۹۵)؛ سانتاگاتا و گوآرینو^۲ (۲۰۱۱) و اشلاچر^۳ (۲۰۱۲) بیانگر آن است که امروز تدریس در جهانی صورت می‌گیرد که مملو از تغییر، پیچیدگی و عدم اطمینان است. لذا معلمان باید به این بینش برسند که دانش‌آموزن خود را برای جهان در حال تغییر آماده سازند که در این راستا باید از نوآوری در فرایندهای یاددهی - یادگیری برخوردار باشند.

سؤالات

۱. ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران با هدف آموزش کارآفرینانه کدامند؟
۲. مدل تفسیری تغییر بینش دبیران با هدف آموزش کارآفرینانه چگونه است؟

روش

روش مقاله حاضر به روش کیفی پدیدار شناسی بوده است. محیط پژوهش در بخش کیفی شامل کلیه کارشناسان آموزش متوسطه سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان در سطح مناطق شش‌گانه بوده است. در بخش کیفی از شیوه نمونه‌گیری نظری تا حد اشباع استفاده شد. بدین صورت که با تعداد ۲۳ نفر از کارشناس مسئول دوره متوسطه تا حد اشباع در مناطق شش‌گانه آموزش و پرورش در رابطه با راهبردهای تغییر بینش معلمان به منظور تدریس کارآفرینانه مصاحبه شد. ابزار تحقیق، مصاحبه عمیق (ساختار نیافته) بود. داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه ضبط‌شده و سپس بر روی کاغذ ثبت می‌شد تا برای گدگذاری در دسترس باشد. لذا مطالب ثبت شده از مصاحبه سطر به سطر و اکاوی شده تا مفاهیم اصلی به صورت کد استخراج شود. پس از استخراج کدهای اولیه، محقق کدهای مشابه با یکدیگر را ادغام و آن‌ها را در یک طبقه قرار می‌داد و برای هر طبقه عنوانی متناسب انتخاب شد. بدین ترتیب با تشکیل طبقه‌بندی، کدهای اصلی استخراج شد. برای تأمین روایی مصاحبه‌ها از روش تأییدپذیری استفاده شده است. به روش تأیید‌پذیری تلاش بر عینی‌سازی سؤالات مصاحبه و دوری از سوگیری محقق

1. Toffler
2. Santagata, & guarino
3. Schleicher
۲۱۱

برای رسیدن به پاسخ‌های مورد نظر محقق است. برای اعتباریابی از روش همگرایی مصاحبه‌های انجام شده استفاده شد و میزان توافق و مطابقت نظرات بدست آمده توسط دو نفر از اساتید مقایسه شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون استفاده شد و به روش کُذگذاری باز، محوری و انتخابی مقولات دسته‌بندی شدند و بدین شیوه مدل راهبردهای تغییر بینش معلمان به منظور تدریس کارآفرینانه تدوین شد.

سؤال اول: ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران باهدف آموزش کارآفرینانه کدامند؟

جدول ۱. کُذگذاری باز، محوری و انتخابی مؤلفه‌های الگوی تغییر بینش دبیران باهدف آموزش کارآفرینانه

شماره	کُذگذاری باز	کُذگذاری محوری	کُذگذاری انتخابی
۱	تبیین محتوای مورد تدریس بصورت کاربردی	بهره‌وری علمی	بهره‌وری در تدریس
۲	تبیین ارتباط محتوای درسی مورد تدریس با سایر دروس	علمی	
۳	تبیین نتایج اخلاق نظری مطالب مورد تدریس	بهره‌وری اخلاقی	
۴	تبیین نتایج اخلاقی عملی مطالب مورد تدریس	بهره‌وری اخلاقی	
۵	تبیین رابطه محتوای درسی مورد تدریس با ارزشهای دینی	بهره‌وری معنوی	
۶	تبیین استفاده از محتوای مورد تدریس برای تعالی سازی روحی	بهره‌وری معنوی	
۷	تبیین محتوای درسی مورد تدریس مبتنی بر آیات الهی	بهره‌وری معنوی	
۸	تبیین محتوای درسی مورد تدریس به منظور تقویت ایمان به خدا	بهره‌وری معنوی	
۹	تبیین محتوای درسی مورد تدریس به منظور تقویت تفکر دینی	بهره‌وری معنوی	
۲۲	ربط دادن اهداف دروس مختلف با یکدیگر	یادگیری انسجام	رشد حرفه‌ای
۲۳	استفاده از شیوه های مطالعه مشترک برای دروس مختلف	بخشیدن به	
۲۴	کمک به دانش آموزان برای انجام کارهای گروهی	فعالیت‌های	
۲۵	استفاده از شیوه‌های ارزشیابی سازگار با اهداف یادگیری و درسی	یادگیری	
۲۶	قرار دادن دانش آموزان در شرایط غیر قابل انتظار و مبهم (درگیر کردن با مسئله)	اقدام پژوهی	
۲۷	برخورد دادن دانش آموزان برای شناسایی مسأله (جمع آوری اطلاعات پیرامون مسأله و علل احتمالی آن)	اقدام پژوهی	

		۲۸	بررسی و تشخیص راه حل‌های احتمالی توسط دانش‌آموزان	
		۲۹	اجرای هر یک از راه حل‌های احتمالی (اقدام برای رفع مشکل) توسط دانش‌آموزان	
		۳۰	ثبت اطلاعات (گردآوری اطلاعات) توسط دانش‌آموزان	
		۳۱	الزام کردن دانش‌آموزان به تجزیه و تحلیل داده‌ها	
		کسب دانش محتوایی	۳۲	اندیشیدن در رابطه با تدریس خود
			۳۳	تدریس چالش برانگیز
			۳۴	داشتن نوآوری در تدریس
	۳۵		تدریس مبتنی بر تقویت سطوح بالای تفکر دانش‌آموزان	
	۳۶		فراهم سازی زمینه شناختی دانش‌آموزان برای جذب دانش ضمنی	
	۳۷		تلاش برای تغییر نگرش دانش‌آموزان در فرایند تدریس	
	تأمل بر برنامه درسی		برنامه درسی پنهان	۳۸
		۳۹		تأثیر گذاری بر دانش‌آموزان برای شیوه جمع آوری اطلاعات
		۴۰		تأثیر گذاری بر دانش‌آموزان برای نحوه مشارکت با یکدیگر در فرایندهای یادگیری
		۴۱		تأثیر گذاری بر دانش‌آموزان از طریق بیان عقاید و نظرات خود
		۴۲		تأثیر گذاری از طریق وادار کردن مطالعه منابع و کتاب‌های خاص
		۴۳		تأثیر گذاری بر دانش‌آموزان از طریق داشتن وحدت شخصیت (یکی بودن حرف با عمل)
		۴۴		تأثیر گذاری بر دانش‌آموزان از طریق داشتن انضباط ذهنی
۴۵		تأثیر گذاری بر دانش‌آموزان از طریق بیان یک مکتب فکری		
۴۶		تأثیر گذاری از طریق تغییر دادن ارزشهای اجتماعی آنها		
۴۷		تأثیر گذاری از طریق تغییر استدلال‌های آنها برای ارزیابی مسائل		
۴۸		تأثیر گذاری بر دانش‌آموزان از طریق تغییر دادن ارزش‌های علمی آنها		
۴۹		حذف مواردی از تدریس به دلیل احساس ناکارآمد بودن		
برنامه درسی پوچ		۵۰	حذف مواردی از درس به دلیل داشتن منافات با ارزش‌های شخصی	
		۵۱	حذف مواردی از درس به دلیل عدم امکان استفاده در عمل	
		۵۲	حذف مواردی از مطالب برای تدریس به دلیل احساس منسوخ شدن	
		۵۳	حذف مواردی از درس به دلیل احساس ایجاد واپس زدگی فکری دانش‌آموزان	

		۵۴ حذف مواردی از درس به دلیل احساس عدم رشد عقلی دانش‌آموزان	
		۵۵ حذف مواردی از درس به دلیل احساس ایجاد پرورش تفکر تک بُعدی در دانش‌آموزان	
		۵۶ حذف مواردی از مطالب برای تدریس به دلیل مؤثر نبودن در آنها در شکل‌گیری هویت علمی دانش‌آموزان	
		۵۷ حذف مواردی از مطالب برای تدریس به دلیل مؤثر نبودن در آنها در شکل‌گیری هویت اجتماعی دانش‌آموزان	
	برنامه درسی رسمی	۵۸ بیان آشکار سرفصل‌های درسی	
		۵۹ بیان آشکار قوانین و مقررات کلاس	
		۶۰ بیان آشکار انتظارات یادگیری	
		۶۱ بیان آشکار منابع درسی	
		۶۲ بیان آشکار وظایف دانش‌آموزان در کلاس	
		۶۳ بیان آشکار وظایف دانش‌آموزان در خارج از کلاس	
		۶۴ بیان آشکار شیوه‌های ارزشیابی	
	زود بازده سازی برنامه درسی	تدریس شاگرد محور	۶۵ تدریس بر اساس علائق شاگردان
			۶۶ تدریس بر اساس ایجاد انگیزه شاگردان
			۶۷ تدریس بر اساس انتظارات شاگردان
۶۸ تدریس بر اساس میزان پاسخدهی شاگردان			
۶۹ تدریس بر اساس فعالیت محوری شاگردان			
تدریس فلسفه محور		۷۰ تدریس مبتنی بر بیان ارزش‌های معنوی درس	
		۷۱ تدریس مبتنی بر حقیقت‌گرایی	
		۷۲ تدریس مبتنی بر بیان ارزش‌های اجتماعی درس	
		۷۳ تدریس مبتنی بر بیان ارزش‌های اقتصادی درس	
		۷۴ تدریس مبتنی بر شناخت شناسی انسان	
		۷۵ تدریس مبتنی بر شناخت شناسی جهان هستی	
تدریس جامعه محور		۷۶ تدریس مبتنی بر خداشناسی و خلقت وجود	
		۷۷ تدریس با هدف نیازهای جامعه پیشرو	
		۷۸ تدریس با هدف شناخت مشکلات جامعه	
	۷۰ تدریس با هدف بیان انتظارات جامعه		
	۷۱ تدریس با هدف بیان ارزش‌های جامعه		
۷۲ تدریس با هدف بیان فرصت‌های موجود در جامعه			

		تدریس با هدف بیان منابع در دسترس در جامعه	۷۳
آینده پژوهی	ذهنیت شکاک	تدریس مبتنی بر ایجاد شک و تردید در دانش‌آموزان نسبت به شیوه‌های انجام کار	۷۴
		تدریس مبتنی بر ایجاد شک و تردید در دانش‌آموزان نسبت به ابزارهای انجام کار	۷۵
		تدریس مبتنی بر ایجاد شک و تردید در دانش‌آموزان با هدف مهندسی مجدد کارها	۷۶
	ذهنیت تحلیل‌گر	تدریس به منظور پرورش قوه دقت	۷۷
		تدریس به منظور پرورش قوه تصمیم‌گیری	۷۸
		تدریس به منظور پرورش قوه تفکیک	۷۹
		تدریس به منظور پرورش قوه ارزیابی	۸۰
	ذهنیت نوگرا	تدریس به منظور تفکر در ساخت پدیده‌ها	۸۱
		تدریس به منظور بازنگری در فرایندهای صورت پذیرفته	۸۲
		تدریس به منظور ایجاد توانایی ذهنیت تولیدکننده	۸۳
	ذهنیت دورنگر	تدریس بر اساس واداشتن دانش‌آموزان به طراحی چشم‌اندازی برای پیشرفت خود	۸۴
		تدریس بر اساس واداشتن دانش‌آموزان به تدوین برنامه تحصیلی بصورت مرحله‌بندی	۸۵
		تدریس بر اساس انجام فعالیت‌های معطوف به هدف	۸۶
	ذهنیت انعطاف‌پذیر	تدریس برای توسعه تفکر پویا در دانش‌آموزان	۸۷
		تدریس برای توسعه تفکر سازگاران در دانش‌آموزان	۸۸
		تدریس برای تقویت سعه صدر در دانش‌آموزان	۸۹
	ذهنیت چالش‌ساز	تدریس با هدف ایجاد دغدغه علمی در دانش‌آموزان	۹۰
		تدریس با هدف ایجاد دغدغه اجتماعی در دانش‌آموزان	۹۱
		تدریس با هدف ایجاد دغدغه فرهنگی در دانش‌آموزان	۹۲
		تدریس با هدف شناسایی دغدغه‌های روحی دانش‌آموزان	۹۳
تدریس با هدف واداشتن دانش‌آموزان به شناسایی حلقه‌های مفقوده یادگیری		۹۴	
تدریس با هدف شناسایی دغدغه‌های شغلی		۹۵	
درس پژوهی	طراحی گروهی درس	طراحی گروهی اهداف درس	۹۶
		طراحی گروهی شیوه‌های یاددهی-یادگیری	۹۷
		طراحی گروهی وسایل و امکانات یاددهی-یادگیری	۹۸

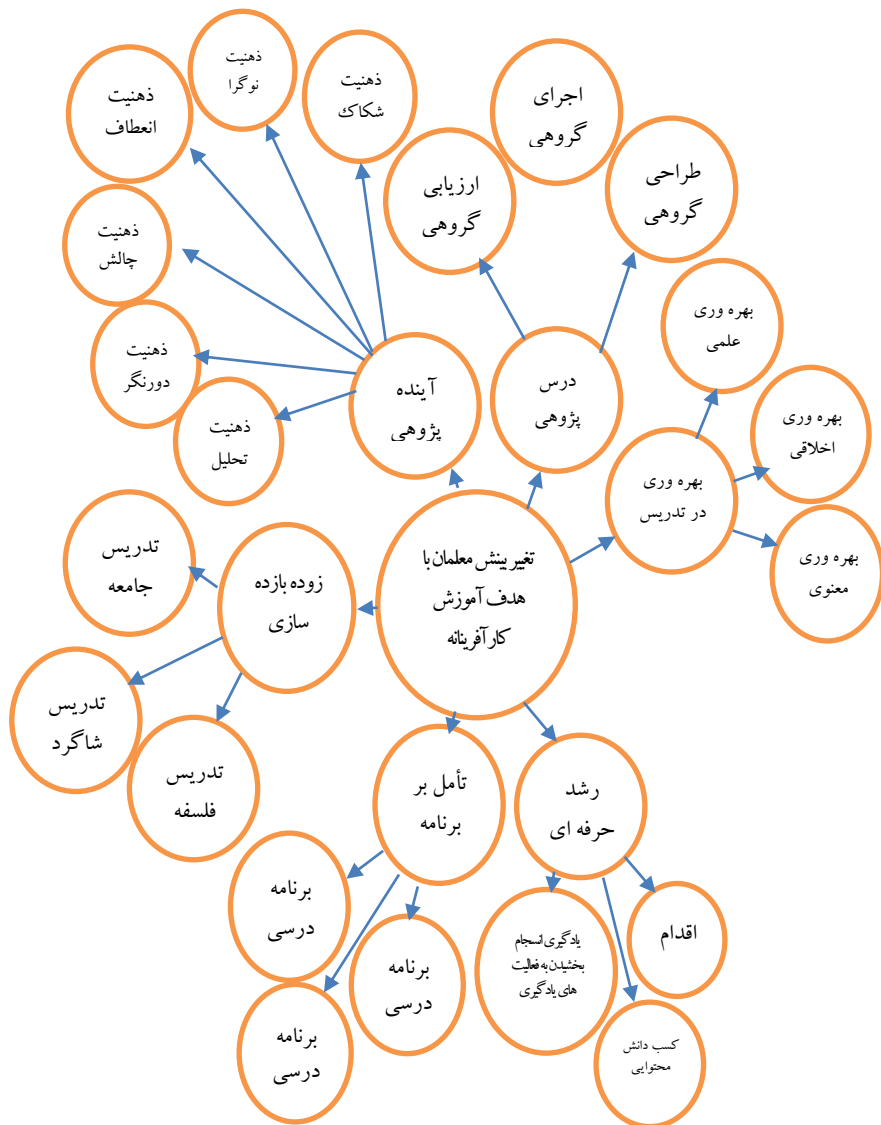
		طراحی گروهی مجموعه فعالیت های یاددهی-یادگیری	۹۹
اجرای گروهی درس		طراحی گروهی نحوه آزمون کردن دانش آموزان	۱۰۰
		به اشتراک گذاری تجارب به منظور نحوه تحقق اهداف درس	۱۰۱
		به اشتراک گذاری تجارب به منظور نحوه استفاده از شیوه های یاددهی-یادگیری	۱۰۲
		به اشتراک گذاری تجارب به منظور نحوه استفاده از وسایل و امکانات برای یاددهی-یادگیری	۱۰۳
		به اشتراک گذاری تجارب به منظور نحوه اجرای فعالیت های یاددهی-یادگیری	۱۰۴
		به اشتراک گذاری تجارب به منظور نحوه اجرای ارزشیابی	۱۰۵
	ارزیابی گروهی درس		ارزیابی گروهی از نحوه بیان اهداف یادگیری
		ارزیابی گروهی از شیوه های یاددهی-یادگیری اجرا شده	۱۰۷
		ارزیابی گروهی از وسایل و امکانات یاددهی-یادگیری بکار گرفته شده	۱۰۸
		ارزیابی گروهی از مجموعه فعالیت های یاددهی-یادگیری صورت پذیرفته شده	۱۰۹
		ارزیابی گروهی از شیوه های ارزشیابی آموزشی بعمل آمده	۱۱۰

بر اساس یافته های جدول ۱، مبتنی بر گدگذاری باز، محوری و انتخابی، ابعاد و مؤلفه های تغییر بینش دبیران با هدف آموزش کارآفرینانه شامل ۷ بُعد (بهره وری در تدریس، اخلاق آموزشی، رشد حرفه ای، زودبازده سازی برنامه درسی، درس پژوهی، تأمل بر برنامه درسی، و آینده پژوهی) و ۱۱۰ گویه بوده است. بهره وری در تدریس شامل ۳ بُعد بهره وری علمی، بهره وری اخلاقی و بهره وری معنوی بوده است. اخلاق آموزشی شامل ۳ بُعد مراقبه، عدالت و انتقاد بوده است. رشد حرفه ای شامل ۳ بُعد یادگیری انسجام بخشیدن به فعالیت های یادگیری، اقدام پژوهی و کسب دانش محتوایی بوده است. تأمل بر برنامه درسی شامل برنامه درسی پنهان، برنامه درسی پوچ و برنامه درسی رسمی بوده است. زودبازده سازی برنامه درسی شامل تدریس جامعه محور، تدریس شاگرد محور و تدریس فلسفه محور بوده است. آینده پژوهی شامل ۶ بُعد ذهنیت شکاک، ذهنیت نوآور، ذهنیت تحلیل گر، ذهنیت انعطاف پذیر، ذهنیت

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران برای آموزش کارآفرینانه ...

دورنگر، ذهنیت چالش ساز بوده است. درس پژوهی شامل ۳ بُعد طراحی گروهی درس، اجرای گروهی درسی و ارزیابی گروهی درس بوده است.

سؤال دوم: مدل تفسیری تغییر بینش دبیران با هدف آموزش کارآفرینانه چگونه است؟



شکل ۱. الگوی تفسیری تغییر بینش دبیران باهدف آموزش کارآفرینانه

بحث و نتیجه گیری

آموزش کارآفرینانه وابسته به تغییر و بهبود بینش معلمان است بر اساس یافته‌های تحقیق، ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران با هدف آموزش کارآفرینانه شامل ۷ بُعد (بهره وری در تدریس، اخلاق آموزشی، رشد حرفه‌ای، زودبازده سازی برنامه درسی، درس پژوهی، تأمل بر برنامه درسی، آینده پژوهی) و ۱۱۰ گویه بوده است. تغییر بینش معلمان وابسته به بهره‌وری تدریس آنهاست. بهره‌وری به معنای کارآمدی و اثربخشی است. کارآمدی بدین معناست که معلمان چنانکه باید و شاید تدریس نمایند و اصول و موازین تدریس را رعایت کنند و اثربخشی به معنای تحقق اهداف یاددهی- یادگیری است. نتایج مقاله در این ارتباط با مطالعات بیات (۱۳۹۳)؛ نارویی و رحمت زهی نوینی (۱۳۹۷)؛ بری (۲۰۱۰)؛ لپودولسکی، کینی و دارلینگ- هاموند (۲۰۱۹) همسو بوده است. نتایج آنها نیز نشان دادند، به منظور اصلاح و بهره‌وری شیوه آموزشی، معلمان باید ساخت نظام یاددهی-یادگیری را به چالش کشیده و فرایندهای یادگیری برای دانش‌آموزان بازسازی نمایند. بی تردید معلمان اثربخش و کارآمد، معلمانی هستند که نسبت به آموزش و یاددهی- یادگیری از ذهنیت مورد نیاز برخوردار می‌باشند. بهبود ذهنیت آموزشی عبارت است از موقعیتی که برای فرد موضوعیت پیدا کرده و درگیر آن می‌شود و به آن می‌اندیشد.

بهره‌وری در تدریس شامل ۳ بُعد بهره‌وری علمی، بهره‌وری اخلاقی و بهره‌وری معنوی بوده است. بهره‌وری علمی معلمان با توان علمی آنها در رابطه است. برای این منظور معلمان ضمن آنکه مدام با مطالعه، تلاش می‌کنند دانش فنی و علمی خود را بیشتر نمایند، سعی دارند که دانش و علم بیشتری را به دانش‌آموزان و فراگیران خویش ارائه کنند. بهره‌وری اخلاقی از دیگر ابعاد بهره‌وری در تدریس است. بهبود بینش معلمان با اخلاق نیکو داشتن در تدریس در رابطه است. اخلاق معلمان از وجوه پنهان رفتار آنها در تدریس است. معلمان در ضمن تدریس همواره تلاش می‌کنند ذهنیت خود را به دانش‌آموزان القاء کرده و در این جریان، نگرش دانش‌آموزان را بر اساس ارزش‌ها و جهان بینی که به آن باور دارند، تحت تأثیر قرار می‌دهند. بُعد دیگر، بهره‌وری معنوی است. تدریس باید از بهره‌وری معنوی برخوردار باشد. این بدین معناست که موضوعات یاددهی-یادگیری باید مبتنی بر ارزش‌های معنوی و الهی

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران برای آموزش کارآفرینانه ...

برای دانش‌آموزان تبیین شود به گونه‌ای که موجبات رشد روحی و معنوی آنها فراهم آورد. در این صورت دانش‌آموزان را قادر می‌سازند تا به حقیقت زیبایی و نیکی در زندگی پی ببرند و شخصیت آنها به طور آزاد و کامل پرورش می‌یابد.

بر اساس یافته‌های بدست آمده از تحقیق، رشد حرفه‌ای از دیگر ابعاد مؤثر در تغییر بینش معلمان برای تدریس کارآفرینانه است. نتایج مقاله با مطالعات جعفری، دامغانیان و شریفی (۱۳۹۷)؛ هامرنس (۲۰۰۱)؛ واکن و فیرکلاس (۲۰۱۳)؛ برونز و لوکیو (۲۰۱۵) و آمی و دیپوتی (۲۰۱۸) همسو بوده است. پژوهش‌ها نشان دادند، یکی از استانداردهای تدریس حرفه‌ای، داشتن بینش و ارزش‌های پایه برای بهبود کیفیت‌بخشی به تدریس است. توسعه بینش معلمان موجب موفقیت تحصیلی و رفاه هر یک از دانش‌آموزان می‌شود.

رشد حرفه‌ای معلمان به دو طریق امکان پذیر است. از بالا به پایین و از پایین به بالا. در رویکرد پایین به بالا، معلمان خود برای رشد حرفه‌ای اقدام می‌کنند و در این رویکرد برنامه‌های پیشرفت حرفه‌ای نه از سوی مدیران و مسئولان مدرسه بلکه توسط خود معلم‌ها شروع می‌شود. برنامه‌های توسعه حرفه‌ای که خود معلمان آن‌ها را شروع می‌کنند، می‌توانند به معلم‌ها قدرت دهند که تغییراتی در کلاسشان ایجاد کنند و خود نیز توسعه‌ای داوطلبانه و ماندگار داشته باشند. رشد حرفه‌ای شامل ۳ بُعد یادگیری انسجام بخشیدن به فعالیت‌های یادگیری، اقدام پژوهی و کسب دانش محتوایی بوده است. یادگیری انسجام بخشیدن به فعالیت‌های یادگیری بدین معناست که معلم تلاش می‌کند تا بین موضوعات یادگیری رابطه و پیوستگی برقرار نماید و در واقع بصورت یکپارچه موضوعات مختلف یادگیری را برای دانش‌آموزان تدریس کند. بدین صورت ذهنیت آنها برای استفاده عملی و کاربردی دروس آموخته شده، توسعه می‌یابد به گونه‌ای که یاد می‌گیرند با تلفیق دروس یادگرفته شده، به ذهنیتی فراتر از یادگیری دروس بطور مجزا دست یابند. اقدام پژوهی از راهبردهای دیگر رشد و توسعه حرفه‌ای معلمان است.

کسب دانش محتوایی از دیگر ابعاد رشد و توسعه حرفه‌ای معلمان است. معلمان با مطالعه مستمر درباره موضوع مورد تدریس و کسب دانش محتوایی از ذهنیتی برخوردار می‌شوند که می‌توانند محتوای درس را به گونه‌ای در دانش‌آموزان درونی‌سازی کنند که سرخ‌های لازم را جهت ورود به کسب و کار در آینده برای آنها بدست دهد. تسلط بیشتر معلمان بر محتوایی که تدریس می‌کنند، نگرش دانش‌آموزان را تا حدی گسترش می‌دهد که می‌توانند به مسائل بطور جدی‌تر و

علمی تر فکر کرده و بهترین شقوق را برای حل مسائل انتخاب کنند. تأمل بر برنامه درسی شامل برنامه درسی پنهان، برنامه درسی پوچ و برنامه درسی رسمی بوده است. تأمل در برنامه درسی به معنای توجه بیشتر به هدف و فلسفه وجودی درسی است که برای دانش‌آموزان باید تدریس شود. میزان تغییرات مطلوب و مؤثری که در نتیجه تدریس برای دانش‌آموزان باید بوجود آید. تغییر و بهبود بینش معلمان وابسته به تأمل بر برنامه درسی مورد اجراست. در صورتی که معلمان بدون تأمل بر محتوا به تدریس آن پردازند، محتوای آشکار که همان سرفصل‌های مورد نظر است را برای دانش‌آموزان ارائه می‌دهند و مطالبی که در محتوای درسی بنابه دلایل مختلف حذف شده‌اند (وجه پوچ برنامه درسی) را نادیده می‌گیرند که این از اثربخشی تدریس آنها می‌کاهد. توجه به وجه پنهان محتوای درسی از جانب معلمان، اثرات ما به ازایی برای دانش‌آموزان دارد زیرا موجب می‌شود تا نسبت به محتوای درسی از طریق معلم به بینش دست یابند. ایجاد بینش در دانش‌آموزان به مانند ایجاد پنجره‌هایی است که ذهن آنها را نسبت به اطراف خود باز کرده و باعث می‌شود که قدرت دید دانش‌آموزان در تحلیل موضوعات مورد یادگیری تقویت گردد. نتایج مقاله با این مطالعات همسو بوده است: مطالعات محمدی، کیان و علی عسگری (۱۳۹۶)؛ مک دونالد، بارتون، باگولی و هارتویگ (۲۰۱۶)؛ ناتسیر و یوسف و ناسوشن (۲۰۱۸) نشان داد، نگرش معلمان نسبت به تغییر برنامه درسی جدید در چهار محور واکنش معلمان، عوامل تأثیرگذار بر نگرش آنها، نقاط مثبت و ضعف برنامه درسی مذکور دسته بندی شده است.

زودبازده سازی برنامه درسی از دیگر عوامل مؤثر بر تغییر بینش معلمان برای تدریس کارآفرینانه است و این وابسته به تدریس جامعه محور، تدریس شاگرد محور و تدریس فلسفه محور بوده است. مادامی که معلمان در تدریس خود به نتایجی که باید عاید دانش‌آموزان شود، توجه کنند؛ به گونه‌ای به تدریس محتوای درسی می‌پردازند که در زمانی نه چندان دور از آنچه یادگرفته‌اند، در مرحله عمل استفاده نمایند. چنین معلمانی با بینش زودبازده سازی برنامه درسی در تلاش هستند تا از تدریس صرفاً بصورت ذهنی دوری کرده و به پدیدارسازی محتوای درسی در خارج از ذهن و در ارتباط با نیازهای جامعه پردازند. نتایج مقاله با این مطالعات همسو بوده است: مطالعات موسوی ده موردی، ولوی و هاشمی (۱۳۹۵)؛ لوتز و جوسی - رودریگو (۲۰۰۹)؛

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران برای آموزش کارآفرینانه ...

دامبراجس و کینون (۲۰۱۳) نتایج نشان داد، معلمان برای زودبازده سازی برنامه های درسی باید بین محتوای مورد آموزش با موقعیت واقعی جامعه و نیازهای اجتماعی رابطه برقرار نمایند و از حالت نظری صرف، تدریس خود را خارج سازند.

آینده پژوهی از دیگر عوامل مؤثر بر تغییر بینش معلمان برای تدریس کارآفرینانه است. نتایج مقاله با این مطالعات همسو بوده است: مطالعات شفیع پور مطلق، خدیوی و ترابی نهاد (۱۳۹۵)؛ سانتاگاتا و گوآرینو (۲۰۱۱)؛ اشلاچر (۲۰۱۲) بیانگر آن است که امروز تدریس در جهانی صورت می‌گیرد که مملو از تغییر، پیچیدگی و عدم اطمینان است؛ لذا معلمان به این بینش برسند که دانش‌آموزن خود را برای جهان در حال تغییر آماده سازند که در این راستا باید از نوآوری در فرایندهای یاددهی- یادگیری برخوردار باشند. آینده پژوهی، روشی است که از طریق آن می‌توان نیازهای مربوط به آینده را مورد مطالعه قرار داد و آنچه که اقتضای آینده را دارد، محور فعالیت‌ها در نظر گرفت. داشتن ذهنیت آینده پژوه و وابسته به ذهنی فعال در ابعادی چون ذهنیت شکاک، ذهنیت نوآور، ذهنیت تحلیل‌گر، ذهنیت انعطاف‌پذیر، ذهنیت دورنگر، ذهنیت چالش‌ساز است. تفکر شکاک معلمان و البته درونی سازی این شکاکیت برای تحقیق و مطالعه بیشتر در دانش‌آموزان، اساس رشد و پیشرفت است. داشتن شک و تردید نسبت به شیوه‌های موجود باعث می‌شود تا فراگیران به پیشرفت‌هایی که حاصل شده، قانع نشده و همواره برای پیشرفت و کسب فناوری‌های روز افزون جهت ارتقای سطح زندگی در ابعاد مختلف، شک و تردید کنند و در راستای شیوه‌های جدید و کارآمدتر تلاش نمایند. ذهنیت نوگرا با بهبود بینش معلمان در رابطه است. معلمانی می‌توانند بر دانش‌آموزان خود تأثیرگذار باشند که همواره ذهنیتی نوگرا داشته باشند و از بیان مطالب کلیشه‌ای و تکراری دوری جویند. این دسته از معلمان با ارائه مطالب جدید در کلاس نشان می‌دهند که با شرایط زمانی که همراه تغییر و تحولات است، همراه بوده و پیوسته در حال پیگیری مطالعات جدید هستند. با ارائه نظریه‌ها و راهکارهای جدید در کلاس موجب می‌شوند تا اطلاعات دانش‌آموزان آنها به روز گردد و از تحولات جدید با خبر شوند. از این‌رو مطالبی که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند، قابل استفاده بوده و مبتنی بر شرایط سازگاری دارد.

بهبود و توسعه بینش معلمان تا سرحد بالای تجزیه و تحلیل مسائل و موضوعات مورد تدریس به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا قدرت تفکر بالایی در راستای درک و فهم مطالب مورد یادگیری بدست آورند و برای یادگیری محتوای درسی و ارتباط آن با محیط خارج از

کلاس و جامعه به تجزیه و تحلیل پردازند؛ لذا از طریق ذهن تحلیل‌گری که معلم برای آنها فراهم می‌کند، همواره به جستجوی روابط موضوعات با یکدیگر پرداخته و یکسویه و یکجانبه قضاوت نمی‌کنند. از دیگر ابعاد ذهن آینده پژوه که بر بهبود بینش معلمان اثرگذار است، ذهنیت انعطاف پذیرانه است. ذهنیت انعطاف پذیر، ذهنیتی است که قطعی و حتمی فکر نکرده و در رابطه با تبیین پدیده‌های مورد مطالعه از راهبردهای مختلف استفاده کرده و اقتضایی می‌اندیشد و تصمیم‌گیری می‌کند. ذهنیتی که از انعطاف‌پذیری برخوردار است، خشک و محدود نبوده و مبتنی بر شرایط و مقتضیات عمل می‌کند؛ لذا برای تبیین پدیده‌های مورد بررسی از مدل‌های مختلف استفاده می‌کند و محدود به مدل یا روش خاصی نیست. از این‌رو چنین معلمی قادر است که ذهن دانش‌آموزان را برای رسیدن به نگرش کارآفرینانه از جوانب مختلف تقویت کرده و غنی‌سازی کند. از دیگر ابعاد ذهن آینده پژوه که بر بهبود بینش معلمان اثرگذار است، ذهنیت دورنگر است. معلمان دارای ذهن دورنگر همواره برای دانش‌آموزان نقشه راه ترسیم می‌کنند به گونه‌ای که مسیر یادگیری آنها را برای رسیدن به توانمندی و استقلال در پایان تحصیلات روشن کرده و توضیح می‌دهند. بدین روش دانش‌آموزان برای خود از چشم انداز برخوردار می‌شوند بدین معنا که از سردرگمی رها شده و فعالیت‌های معنادار و نظام‌مندی را برای رسیدن به افقی که در پی‌آند، انجام می‌دهند. لذا فعالیت‌های یادگیری برای آنها معنا و مفهوم پیدا می‌کند. چنانکه به گونه‌ای از مسیر یادگیری خود را آگاه می‌شوند که از رفتارهای انحرافی دوری کرده و همواره اهداف عالی مرتبه خود را رصد کرده و در پی تحقق آنها در حرکت هستند. از دیگر ابعاد ذهن آینده پژوه که بر بهبود بینش معلمان اثرگذار است، ذهنیت چالش ساز است. چنین معلمانی همواره در فرایند تدریس خود برای دانش‌آموزان دغدغه‌سازی می‌کنند. مواجهه‌سازی دانش‌آموزان با دغدغه‌های کسب و کار و شغلی موجب آن می‌شود تا ساخت شناختی آنها بر اساس بینش، نگرش و توانش مهیا شود و بدین صورت تفکر کارآفرینی در آنها بوجود آید. ایجاد چالش‌ها در رابطه با کسب و کار موجب تفکر بیشتر در دانش‌آموزان برای کارآفرینی می‌شود، بصورتی که تلاش می‌کنند تا در رابطه با طرح مشاغل جدید به خلق ایده پرداخته و از طریق نوشتن انشاء و داستان نویسی، خلاقیت‌های ذهنی خود را در کلاس بیان دارند. یکی دیگر از عوامل مؤثر بر تغییر بینش معلمان برای تدریس کارآفرینانه، درس پژوهی کارآفرینی

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران برای آموزش کارآفرینانه ...

است. نتایج تحقیق با این مطالعات همسو بوده است: مطالعات سرکارآنی (۱۳۸۷)؛ موسوی ده موردی، ولوی و هاشمی (۱۳۹۵)؛ هامرنس (۲۰۰۴)؛ وولف، جارودزکا، وندن بوگرت وبوشیوزن (۲۰۱۶)؛ شهریل (۲۰۱۸)، پنتون هررا (۲۰۱۸). نتایج نشان داد، دغدغه معلمان باید این باشد که دانش‌آموزان را در فرایند تدریس به چالش بکشند. در این راستا تدریس معلمان نباید حالت کلیشه‌ای و از پیش تعریف شده باشد. بر اساس مطالعه ماری و مارتی (۲۰۰۹) در صورتی که معلمان در فعالیت‌های یاددهی-یادگیری خود از درس پژوهی کارآفرینی استفاده کنند، بینش آنها در جهت آموزش کارآفرینانه به دانش‌آموزان توسعه می‌یابد. درس پژوهی کارآفرینی بدین معناست که معلمان از طریق آن به کاوش پیرامون نحوه طراحی و اجرای فعالیت‌های یاددهی-یادگیری مؤثر به منظور استفاده عملی از آنها در فرایند تدریس خود جهت ذهنیت بخشی کارآفرینی در دانش‌آموزان می‌پردازند. از این رو با استفاده از درس پژوهی کارآفرینی، بینش معلمان برای آموزش کارآفرینانه بهبود می‌یابد. درس پژوهی شامل ۳ بُعد طراحی گروهی درس، اجرای گروهی درسی و ارزیابی گروهی درس بوده است. درس پژوهشی فرایندی است که بطور مشارکتی معلمان تلاش می‌کنند تا نقاط ضعف تدریس خود را شناسایی کرده و برای بهبود و تقویت تدریس خود در ابعاد مختلف اعم از طرح درس تا اجرا و نحوه ارزشیابی، آنها را مورد نقد و بررسی قرار دهند.

بر اساس یافته‌های بدست آمده از تحقیق پیشنهاد می‌شود که برای تغییر و بهبود بینش معلمان با هدف تدریس کارآفرینانه، کارگاه‌های آموزشی زیر برگزار شوند: درس پژوهی کارآفرینی، آینده پژوهی، کاربردی سازی محتوای درسی، اخلاق آموزشی، رشد حرفه‌ای، معلم فکور و تأمل بر برنامه درسی مورد تدریس.

منابع

بیات، طیبه (۱۳۹۲). ارزیابی مدلی جهت تعیین رابطه بین تدریس بهره ور علمی، بهره ور اخلاقی، و بهره ور معنوی با یادگیری اثربخش (مورد مطالعه؛ دیدگاه دانش‌آموزان دوره متوسطه آموزش و پرورش شهر اصفهان)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه

جعفری، حسن؛ ابوالقاسمی، محمود؛ قهرمانی، محمد؛ خراسانی، اباصلت؛ قبادیان، مسلم (۱۳۹۷). عوامل محتوایی توسعه‌ی حرفه‌ای معلمان ابتدایی مدارس استثنایی گروه کم‌توان ذهنی شهر تهران، فصلنامه کودکان استثنایی، سال هجدهم، شماره ۲، صص ۷۷-۸۶.

جعفری، سکینه؛ دامغانیان، حسین؛ عبد شریفی، فاطمه (۱۳۹۶). رابطه‌ی ساختاری نقش گروه‌های آموزشی باکیفیت عملکرد معلمان، مجله‌ی مطالعات دوره‌ی نهم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان، پیاپی (۷۲/۳)، ۳۷-۵۸.

روشن، محمدرحیم؛ سیفی، الهام؛ عبدالهی، بیژن؛ نوکانی، ژیلا؛ بنی جمالی، زهرا. (۱۳۹۴) بررسی رابطه بین آموزش کارآفرینانه معلم (اهداف، محتوا، ضرورت، شیوه و محیط آموزشی) با رویه کارآفرینانه دانش‌آموزان متوسطه شهر تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار، ۱۷۹-۱۵۱.

ساکي، رضا (۱۳۹۴). درس پژوهی، دانشنامه ایرانی برنامه درسی. سرکارآنی، محمدرضا. (۱۳۸۲). اصلاحات آموزشی و مدرن سازی (با تأکید بر مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش ایران و ژاپن)، انتشارات روزنگار، چاپ اول، تهران.

سلطانی، اصغر؛ شفیع پور مطلق، فرهاد. (۱۳۹۵). ارائه مدلی جهت ارزیابی عوامل موثر بر توسعه تدریس کامیاب ادراک شده (مورد مطالعه؛ دبیران مدارس متوسطه شهر اصفهان)، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات برنامه درسی، سال یازدهم، شماره ۴۱، تابستان، ص ۱۷۴-۱۵۳.

شعبانی، حسن (۱۳۸۹). مهارتهای آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)، تهران: انتشارات سمت. شفیع پور مطلق، فرهاد؛ خدیوی، اسدالله؛ ترابی نهاد، منیره (۱۳۹۵). ارائه مدلی جهت تعیین عوامل مؤثر بر توسعه ذهنیت فلسفی آموزشی آینده پژوهانه دانشگاهی ادراک شده (مورد مطالعه؛ دیدگاه اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات)، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات آموزشی، پاییز، شماره ۲۹، ۱۴۰-۱۲۹.

صفایی مقدم، مسعود (۱۳۸۲). بررسی نظریه خودگرایی اخلاقی بر اساس معیار عقلانیت: بحثی در فلسفه آموزش و پرورش اخلاقی، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم تربیتی دانشگاه چمران اهواز، دوره سوم، سال دهم، شماره‌های ۳ و ۴، ۱۶-۱.

عزیزی، نعمت‌الله؛ حیدری، شهریار (۱۳۹۱). نگرش معلمان ابتدایی شهرسندج نسبت به ارزشیابی توصیفی، مجله علوم تربیتی دانشگاه چمران اهواز، دوره ۶، شماره ۲، ۲.

گل پرور، محسن (۱۳۸۹). رابطه اخلاق و عدالت آموزشی با پرهیزکاری از فریب کاری علمی، فصلنامه علمی-پژوهشی اخلاق و فناوری، سال پنجم، شماره‌های ۱ و ۲، ۶۷-۵۷.

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تغییر بینش دبیران برای آموزش کارآفرینانه ...

محمدی، رقیه؛ کیان، مرجان؛ علی عسگری، مجید (۱۳۹۶). واکاوی نگرش معلمان نسبت به تغییر برنامه درسی جدید خواننداری و نوشتاری پایه چهارم ابتدایی، فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی، سال دوم، شماره ۸، پاییز، ۷۹-۵۳.

نارویی، مهین؛ رحمت زهی نوینی (۱۳۹۷). بررسی تأثیر رفتار و بینش معلم بردانش‌آموزان، یازدهمین اجلاس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی.

نوری، علاء؛ جعفری، پریش قورچیان، نادر قلی (۱۳۹۶). شناسایی عوامل پدیداری و شرایط زمینه‌ای یادگیری حین کار معلمان، فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان، ۸۲-۶۱.

Abrams, L. M., Pedulla, J. J., & Madaus, G. F. (2003). Views from the classroom: Teachers' opinions of statewide testing programs. *Theory into Practice*, 42(1), 18-29.

Ambrose, S, Bridges, M, DiPietro, M, Lovett, M, Norman, M, Mayer, R. (2010). *How Learning Works: Seven Research-Based Principles for Smart Teaching*, John Wiley & Sons.

Amy Fowler, Deputy Secretary. (2018). *A Vision for Teaching, Leading, and Learning*, Vermont Agency of Education Educator Quality Division, June 5.

Ay, T. S., & Acar, Ş. (2016). Views of classroom teachers about the acquisition of entrepreneurial skills. *Electronic Journal of Social Sciences*, 15(28), 960-976.

Bayat, Tayyeba (2013). *Evaluation of a Model for Determining the Relationship between Teaching Scientific Productivity, Moral Productivity, and Spiritual Productivity with Effective Learning (Case Study: Perspectives of Secondary Education Students in Isfahan)*, Master Thesis in Curriculum Planning, Islamic Azad University, Meimeh Branch

Berry, B. (2010). Getting "real" about teaching effectiveness and teacher retention. *Journal of Curriculum and Instruction*, 4(1), 1-15.

Bruns, B & Luque, J. (2015). *Great teachers How to use student learning in Latin America and Caribbean*. Washington world Bank Group.

Buck, B. (2000). *Increasing employability by integrating entrepreneurship in education and training*. Paper for the European Training Foundation Advisory Forum.

Dumbrajs., Sivbritt Keinonen., Tuula. (2013). *A Student Teacher's Vision of a Good Day at School*, *International Journal of Pedagogy and Curricula* 19(1):37-47

- Gamoran Sherin, M., & Van Es, E. A. (2009). Effects of video club participation on teachers' professional vision. *Journal of teacher education*, 60(1), 20-37.
- Guskey, T. R., & Sparks, D. (1996). Exploring the relationship between staff development and improvements in student learning. *Journal of Staff Development*, 17(4), 34-38
- Hammerness, K. (1999). Seeing through teachers' eyes: An exploration of the content, character, and role of teachers' vision. Stanford University: Unpublished doctoral dissertation.
- Hammerness., Karen.(2004). Teaching with Vision: How One Teacher Negotiates the Tension between High Ideals and Standardized Testing, *Teacher Education Quarterly*, Fall, pp. 32-43
- Hargreaves, A., & Fullan, M. G. (1992). Introduction. In A. Hargreaves & M. G. Fullan (Eds., *Understanding teacher development*) (pp. 1-19). New York: Teachers College Press *موزش‌آموز*
- Jafari, Sakineh; Damghanian, Hossein; Abdul Sharifi, Fatemeh (2017). Structural Relationship The Role of Educational Groups Quality Performance Teachers, *Journal of Ninth Grade Studies*, Issue 2, Fall and Winter, Consecutive (3/72), 58-37.
- Jansen, A., Gallivan, H. R., & Miller, E. (2018). Early-career teachers' instructional visions for mathematics teaching: impact of elementary teacher education. *Journal of Mathematics Teacher Education*, 1-25.
- Joyce, B. and Showers, B. (2002). *Student Achievement Through Staff Development*. 3rd edition,
- Korthagen, F. A. (2004). In search of the essence of a good teacher: Towards a more holistic approach in teacher education. *Teaching and teacher education*, 20(1), 77-97.
- MacDonald, A., Barton, G., Baguley, M., & Hartwig, K. (2016). Teachers' Curriculum Stories: Perceptions and preparedness to enact change. *Educational Philosophy and Theory*, 48(13), 1336-1351.
- Mair, J., & Marti, I. (2009). Entrepreneurship in and around institutional voids: A case study from Bangladesh. *Journal of business venturing*, 24(5), 419-435.
- Naroei Mahin; Mercy of a new string (2018). The effect of teacher behavior and insight of students, 11th International Conference on Psychology and Social Sciences.
- Natsir, Y., Yusuf, Y. Q., & Nasution, U. F. (2018). The Rise and Fall of Curriculum 2013: Insights on the Attitude Assessment from Practicing Teachers. In *SHS Web of Conferences* (Vol. 42, p. 00010). EDP Sciences.

- Nouri, Alaa; Jafari, Parivash Ghorchian, Nader Gholi ((2017). Identifying Phenomenological Factors and Underlying Learning Conditions of Teachers, *Quarterly Journal of Human Resources Education and Development*, Fourth Year, No. 15, Winter, 82-61.
- Pentón Herrera, L. J. ((2018). Action Research as a Tool for Professional Development in the K-12 ELT Classroom. *TESL Canada Journal*, 35(2), 128-139.
- Podolsky, A., Kini, T., & Darling-Hammond, L. ((2019). Does teaching experience increase teacher effectiveness? A review of US research. *Journal of Professional Capital and Community*
- Qian Sun, ((2011) , Embedding employability in the curriculum: A comparative study of employer engagement models adopted by design programmes in China and the UK, *Journal of Chinese Entrepreneurship*, 3(1), 36 – 48.
- Rahmati, T., Sadeghi, K., & Ghaderi, F. ((2018). English Language Teachers' Vision and Motivation: Possible Selves and Activity Theory Perspectives. *RELC Journal*, 0033688218777321.
- Rollins, D. H. ((2012). Designing powerful professional Development for teacher, Administrators, and school Leaders. North cordina: Department of public instruction.
- Roshan, Mohammad Rahim; Seifi, inspiration; Abdollahi, Bijan; Nokani, Jila; Bani Jamali, Zahra ((2015). A Study of the Relationship between Teacher Entrepreneurship Education ((Objectives, Content, Necessity, Method and Educational Environment) and the Entrepreneurial Spirit of High School Students in Tehran, *Quarterly Journal of New Educational Thoughts*, Volume 11, Number 1, Spring, pp. 179-151.
- Santagata, r., & guarino, J. ((2011). Using Video to teach Future teachers to Learn from teaching. *ZDM The International Journal of Mathematics Education*, 43(1), 133–145.
- Sawhney, N., & Landran, M. ((2018). Professional ethics and commitment in teacher education. All content following this page was uploaded by Neena Sawhney on, 1.
- Schleicher, A. ((2012), Ed., *Preparing Teachers and Developing School Leaders for the 21st Century, Lessons from around the World*, OECD Publishing.
- Shahrill, M. ((2018, June). Teachers' Devotion to Review Lessons: Insights to the Mathematics Lessons in Brunei Darussalam. In *Journal of Physics: Conference Series* ((Vol. 1028, No. 1, p. 012158). IOP Publishing.
- Sherin, M. G. ((2014). Developing a professional vision of classroom events. In *Beyond classical pedagogy* ((pp. 89-108). Routledge.

- Soltani, Asghar; Shafipour Motlagh, Farhad. ((2015). Presenting a Model for Evaluating the Factors Affecting the Development of Perceived Successful Teaching ((Case Study: Isfahan High School Teachers), Curriculum Studies Quarterly, Year 11, Issue 41, Summer, pp. 174-153
- Stürmer, K., Könings, K. D., & Seidel, T. ((2013). Declarative knowledge and professional vision in teacher education: Effect of courses in teaching and learning. British Journal of Educational Psychology, 83(3), 467-483.
- Stürmer, K., Seidel, T., & Schäfer, S. ((2013). Changes in professional vision in the context of practice. *Gruppendynamik und Organisationsberatung*, 44(3), 339-355.
- Vaughn.,Margaret, Faircloth., Beverly.(2013). Teaching With a Purpose in Mind: Cultivating a Vision, ProfessionalEducator, ERIC,v37 n2 Fall 2013.
- Wolff, C. E., Jarodzka, H., van den Bogert, N., & Boshuizen, H. P. ((2016). Teacher vision: expert and novice teachers' perception of problematic classroom management scenes. Instructional Science, 44(3), 243-265.